



## Research Article

# The Model of Tendency towards Risky Behaviors based on Family Emotional Climate and Interpersonal Reactivity: the Mediator of Moral Indifference

A. Asghari<sup>1\*</sup> & M. Moshkani<sup>2</sup>

1. Assistant Professor, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran. Email: asghari@kub.ac.ir

2. Department of Psychology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran. Email: Moshkani.moh@gmail.com

### Abstract

**Aim:** Tendency to risky behaviors is one of the behavioral inconsistencies of adolescence. This research was conducted with the aim of providing a model of tendency towards risky behaviors based on the emotional atmosphere of the family and interpersonal reactivity: the mediating role of moral indifference.

**Method:** The research method was structural equation modeling. Sociostatistics of all high school students in the age range between 16 and 18 years of Gorgan city in the academic year 2022-2023. A number of 280 people were selected as a sample by cluster random sampling. The research tools were Zadeh Mohammadi (2011) risky behavior questionnaires, Hillburn's emotional climate (1964), Davis' interpersonal reactivity (1983) and Caprara's moral indifference (2006). For data analysis, correlation matrix, path analysis and goodness of fit indices were used with LISREL 8.3 software. **Results:** The results of the direct relationships of the research variables showed that there is a negative and significant relationship between the emotional atmosphere of the family and interpersonal reactivity with the tendency to risky behaviors ( $P < 0.05$ ). Also, the emotional atmosphere of the family and interpersonal reactivity have a negative and significant indirect effect through moral indifference in addition to the direct effect. **Conclusion:** The results of the research indicate that with the increase in family emotionality and interpersonal reactivity, the tendency to risky behaviors decreases and the decrease in moral indifference leads to an increase in the tendency to risky behaviors in teenagers.

**Key words:** High-Risk Behaviors, Family Emotional Atmosphere, Interpersonal Reactivity, Moral Indifference

**Citation:** Asghari, A., & Moshkani, M. (2023). The Model of Tendency towards Risky Behaviors based on Family Emotional Climate and Interpersonal Reactivity: the Mediator of Moral Indifference. *Quarterly of Applied Psychology, 17* (3):77-95.

## مقاله پژوهشی

# ارائه مدل گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس جو عاطفی خانواده و واکنش‌پذیری بین‌فردی: نقش میانجی‌گر بی‌تفاوتی اخلاقی

آرزو اصغری<sup>۱\*</sup> و محمد مشکانی<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران. ایمیل: asghari@kub.ac.ir  
۲. گروه روان‌شناسی، واحد کرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرگان، ایران. ایمیل: Moshkani.moh@gmail.com

### چکیده

**هدف:** گرایش به رفتارهای پرخطر یکی از ناسازگاری‌های رفتاری دوران نوجوانی به‌شمار می‌رود. این پژوهش با هدف ارائه مدل گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس جو عاطفی خانواده و واکنش‌پذیری بین‌فردی: نقش میانجی‌گر بی‌تفاوتی اخلاقی انجام شد. **روش:** روش پژوهش مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه‌آماري تمامی دانش‌آموزان مقطع متوسطه در دامنه سنی بین ۱۶ تا ۱۸ سال شهر کرگان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند. تعداد ۲۸۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای بعنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه‌های گرایش به رفتار پرخطر زاده‌محمدی (۱۳۹۰)، جو عاطفی خانواده هیل‌برن (۱۹۶۴)، واکنش‌پذیری بین‌فردی دیویس (۱۹۸۳) و بی‌تفاوتی اخلاقی کاپرارا (۲۰۰۶) بود. جهت تحلیل داده‌ها از ماتریس همبستگی، تحلیل مسیر و شاخص‌های نکویی برازش با نرم‌افزار LISREL 8.3 استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج حاصل از روابط مستقیم متغیرهای پژوهش نشان داد که بین جو عاطفی خانواده و واکنش‌پذیری بین‌فردی با گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه منفی و معنادار وجود دارد ( $P < 0.05$ ). همچنین جو عاطفی خانواده و واکنش‌پذیری بین‌فردی علاوه بر تاثیر مستقیم، از طریق بی‌تفاوتی اخلاقی اثر غیرمستقیم منفی و معنادار دارند. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حاکی از آن است که با افزایش جو عاطفی خانواده و واکنش‌پذیری بین‌فردی گرایش به رفتارهای پرخطر کاهش پیدا کرده و کاهش بی‌تفاوتی اخلاقی منجر به افزایش گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان می‌شود.

**کلید واژه‌ها:** رفتارهای پرخطر، جو عاطفی خانواده، واکنش‌پذیری بین‌فردی، بی‌تفاوتی اخلاقی

استناد به این مقاله: اصغری، آرزو، و مشکانی، محمد. (۱۴۰۲). ارائه مدل گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس جو عاطفی خانواده و واکنش‌پذیری بین‌فردی: نقش میانجی‌گر بی‌تفاوتی اخلاقی. فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی کاربردی، ۱۷ (۳ پیاپی ۶۷): ۹۵-۷۷.

## مقدمه

افراد در دوران نوجوانی با شور و هیجان، احساس متناقض، تحریکات فیزیولوژیکی و عواطفی پرتنش همراه می‌شوند (دقوی، دوباس، ادوین، دالمیجر و مارسل، ۲۰۲۰). این دوره با تحولات بسیار عمیقی از نظر زیستی، روانی و اجتماعی همراه است که موجب به هم خوردن تعادل و توازن جسمانی و روانشناختی آنان می‌شود و به عنوان دوران بحران یاد شده است (جوهری و علیجانی، ۱۴۰۰). دوره نوجوانی، دوره‌ای است که بیشترین ناسازگاری‌های رفتاری در این دوره نمود پیدا می‌کند و گرایش به رفتارهای پرخطر<sup>۱</sup> یکی از ناسازگاری‌های رفتاری دوران نوجوانی به‌شمار می‌رود (شولتز، شاو، یلمن و جونز، ۲۰۲۲). رفتار پرخطر شامل رفتارهایی است که ایمنی و سلامت فرد و حتی در مواردی تندرستی دیگران را به خطر انداخته و معمولاً به علت تحریک هیجان و احساسات زیاد بروز می‌کند (سوتز، رودگرز، رایت، وایتند و اسنودن، ۲۰۲۲). رفتارهایی شامل کشیدن قلیان، سیگار، مصرف مواد مخدر و الکل و رابطه جنسی، شایع‌ترین رفتارهای پرخطر دوره نوجوانی را تشکیل می‌دهند (کهنسال، اسدی‌مجری و اکبری، ۱۴۰۱). رفتارهای پرخطر احتمال نتایج منفی و مخرب جسمی، روانشناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش داده و برای خانواده و جامعه هم هزینه‌های مالی و زمانی زیادی به همراه داشته و به عنوان یک معضل اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (محمدی، ساکن‌آذری، عبدالتاجدینی و اقدسی، ۱۴۰۱). مطالعات راوات و گولاتی (۲۰۱۹) نشان داد که بیشتر افراد ناسازگار، وابسته به خانواده‌های آسیب‌دیده هستند و فرزندان که مربوط به خانواده‌های پرکشمکش می‌باشند به سبب عدم برخورداری از آرامش‌روانی و عدم تمرکز و آشفتگی بیشتر در معرض رفتارهای ناسازگارانه قرار دارند. همچنین عاشقی، خوش‌روش و یعقوبی (۱۳۹۸) دریافتند که با افزایش جو عاطفی مطلوب در خانواده، گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان کاهش می‌یابد.

جو عاطفی خانواده، کیفیت الگوی ارتباطی و ارزش‌های اساسی حاکم در خانواده، در نحوه شکل‌گیری پایه‌های شخصیتی و ویژگی‌های روانی-رفتاری اعضا، تأثیر ژرف و پایدار دارد (کولیر، بل و کریستین، ۲۰۲۲). منظور از جو عاطفی خانواده نحوه‌ی ارتباط و طرز برخورد افراد یک خانواده با هم است. ماهیت جو عاطفی که شامل روابط والدین نسبت به فرزندان، فرزندان نسبت به یکدیگر و والدین نسبت به هم می‌باشد، که می‌تواند در ایجاد سازگاری کودک و نوجوان تسهیل‌کننده و یا بازدارنده باشد که این اهمیت خانواده را برای بهبود روابط نشان می‌دهد (گوپتا، هورتن، هایس، کارول و میتال، ۲۰۲۲). لازم است خانواده، محیط سالم و آرامی برای

<sup>۱</sup> Risky behaviors

فرزند باشد تا فرزندان فرصت کافی داشته باشد تا چگونگی نحوه برخورد با مسائل و مشکلات اجتماعی را یاد بگیرد و بتواند از راه معقول به حل آنها بپردازد (حقی، حسینیان و رسولی، ۱۳۹۹). در این رابطه، پژوهشگران نشان داده‌اند که نحوه رفتار والدین و جو حاکم بر روابط والدین و فرزندان می‌تواند بر تحول جنبه‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی آنان تأثیر عمیقی داشته باشد (موننگودو، دلگادو، اینگلس و فرناندز، ۲۰۱۸). مطابق با «نظریه فعالیت» که توسط نتوگارتن (۱۹۶۴) ارائه گردید، برقراری و نگه‌داشت روابط فعال خانوادگی و برخورداری از حمایت‌های عاطفی اعضای خانواده، به پویا نگه‌داشتن فرد کمک شایانی می‌کند و نیروی بالقوه‌ای برای پشتیبانی سلامت روانی و پیشرفت در زمینه‌های مختلف می‌انجامد (زو، وانگ، ۲۰۲۲). لایلا و ماستن (۲۰۱۹) دریافتند که رفتارهای مخرب خانواده‌ها از قبیل منفی بودن، فقدان گرمی و عطوفت در خانواده، سخت‌گیری و رویارویی با خشونت به افزایش پرخاشگری فرزندان منجر می‌شود اما گرمی والدین، ساختار خانواده و ارزش‌های جامعه‌پسند به افزایش رفتارهای انطباقی و کاهش پرخاشگری منجر می‌شود. علاوه بر عوامل خانوادگی، عوامل روانشناختی هم در گرایش به رفتارهای پرخطر نقش دارد؛ اغلب نوجوانان با خانواده، جامعه و بستگان دچار چالش هستند و ممکن است فشار این مشکلات نوجوان را در مرحله تصمیم‌گیری و واکنش‌دهی به سمت رفتارهای پرخطر بکشانند (سرموری، مردانی، نظری، شهرکی و دهکردی، ۱۳۹۸).

نوجوانان با رفتارهای پرخطر در واکنش‌های بین‌فردی، بر اساس احساسات لحظه‌ای خود عمل می‌کنند بدون این که قوانین یا ملاحظات خاص هر موقعیت را در نظر بگیرند (ابوالقاسمی، طاهری‌فرد و کیامرثی، ۱۳۹۶). واکنش‌پذیری بین‌فردی به رفتارهایی گفته می‌شود که شالوده‌ی ارتباطات موفق و رو در رو را تشکیل می‌دهند. واکنش‌پذیری بین‌فردی شامل واکنش‌پذیری عاطفی و شناختی است. واکنش‌پذیری شناختی بر روی تمایلات یا توانایی‌های شخص متمرکز است، درحالی که واکنش‌پذیری عاطفی بر روی احساس شخص به دیگران، متمرکز است (گوپتا، باسو و تاکورتا، ۲۰۲۲). در واقع شاخص واکنش‌پذیری بین‌فردی شامل چهار سازه، داشتن چشم‌انداز، تخیل، توجه همدلانه و پریشانی شخصی است؛ داشتن چشم‌انداز منجر به توانایی در نظر گرفتن دیدگاه دیگران و دیدن امور از دید آنها می‌شود (مورگانتی، رزونیکو، چنگ و پرایس، ۲۰۲۰). افرادی که تمایل دارند خودشان را در موقعیت‌های شخصیت‌های تخیلی بگذارند بهتر می‌توانند احساسات و افکار دیگران را شبیه‌سازی کنند و بنابراین بهتر می‌توانند حالات ذهنی دیگران را به درستی تفسیر کنند. به کارگیری تخیل و تصور جهان درونی دیگران دقت در واکنش‌پذیری بین‌فردی را گسترش می‌دهد (لی، ونگ، ۲۰۲۲). قوی‌ترین پیش‌بین پریشانی شخصی، برانگیختگی عاطفی بالا و تنظیم هیجانی ضعیف است، بدون تنظیم هیجانی

مناسب و کافی وقتی که مشاهده‌گر، رنج یا درد فرد دیگری را می‌بیند، ممکن است بیش از اندازه برانگیخته شود و پریشانی‌شخصی را تجربه کند و تحریک شود که از موقعیت اجتناب کند (مونتلون، تریشور، کان و کاردی، ۲۰۱۸). مطالعات موراتوری، لاجمن، مانفیریتی، میلیون (۲۰۲۱) نشان داد که افراد مبتلا به اختلال رفتاری مخرب و اختلال سلوک، الگوی شدیدتری از علائم اضطراب، علائم همدلی و عاطفه را نشان می‌دهند.

یکی از عوامل مهم تاثیرگذار در گرایش به رفتارهای پرخطر، مکانیسم بی‌تفاوتی اخلاقی است (بابایی، واحدی، ادیب و ایمان‌زاده، ۱۴۰۰). مکانیسم بی‌تفاوتی اخلاقی به فرآیندهای شناختی اشاره دارد که فرد از این طریق رفتارهای آسیب‌زا را توجیه کرده، خود را از معیارهای اخلاقی جدا می‌کند (تینگ، نای، کوا، ژانگ و لای، ۲۰۲۰). افراد از طریق این استدلال که معیارهای اخلاقی می‌تواند تحت شرایطی خاص، اعمال نشوند، رفتار غیراخلاقی خود را توجیه کرده یا برای آنها دلیل می‌تراشند (اسماعیل‌زاده و آهی، ۱۴۰۰). مطالعات ریسر و اکرت (۲۰۱۷) نشان داد افراد دارای ویژگی‌های شخصیتی آزاردهنده از جمله سردی (غیرهیجانی بودن)، بی‌رحمی و سنگدلی احتمال بیشتری هست تا نگرش‌های بی‌تفاوتی اخلاقی را نشان دهند. افراد در برابر اقدام‌های آسیب‌رسانی که مزایای مورد نظرشان را تامین کرده، اما در مقابل معیارهای اخلاقی آنها را نقض می‌کند، تحت فشار قرار می‌گیرند. در این میان گسست از خود سرزنشی اخلاقی، باعث می‌شود، افراد با استانداردهای اخلاقی خود به سازش رسیده و هنوز بتوانند، یکپارچگی و تمامیت اخلاقی خود را حفظ کنند، بر این اساس بی‌تفاوتی اخلاقی در ارتباط بین «معیارهای اخلاقی» و «رفتار واقعی» نقش میانجی‌گری دارد (فیتزپاتریک و بوسی، ۲۰۱۸). بر اساس نظریه شناختی اجتماعی در مورد بی‌تفاوتی اخلاقی (بندورا، ۲۰۱۶)؛ مکانیسم بی‌تفاوتی اخلاقی و قلدری دارای ارتباطی متقابل و تدریجی هستند به گونه‌ای که فرد در مراحل اولیه، خشونت‌های خفیفی را مرتکب می‌شود در ادامه با کم کردن خودسرزنشی و فعال شدن مکانیسم بی‌تفاوتی اخلاقی، رفتارهای بی‌رحمانه فرد افزایش می‌یابد (ثرنبرگ، وانستروم، پازولی و هانگ، ۲۰۱۹). مطالعه‌ی مازون و کامودکا (۲۰۱۹) با موضوع بررسی سهم شخصیت و عملکرد خانواده را در بی‌تفاوتی اخلاقی و رفتارهای مربوط به قلدری به روی ۱۰۲ نوجوان دختر و پسر با روش تحلیل رگرسیون صورت گرفت که نتایج این مطالعه حاکی از تأثیرگذاری عملکرد خانواده در استفاده از بی‌تفاوتی اخلاقی بود. همچنین محمدعینی، صادقی، درتاج و همایونی (۱۳۹۹) در پژوهشی نشان دادند که تعارض بین والدین و دانش‌آموز منجر به افزایش بی‌تفاوتی اخلاقی و پرخاشگری در دانش‌آموزان دختر می‌شود.

صنعتی شدن و شهرنشینی فرصت‌های بیشتری را برای انجام رفتارهای پرخطر جوانان فراهم ساخته و در مقابل واکنش‌های جدیدی برای این‌گونه از رفتارها به دنبال داشته است (نظام‌زاده، طبیعی، مالکی، اکبری و نامجو، ۱۴۰۰). هرچند همه گروه‌های سنی در معرض رفتارهای پرخطر هستند، اما در دوره نوجوانی به دلیل ویژگی‌های این مرحله مهم از رشد، بیشتر در معرض رفتارهای پرخطر قرار می‌گیرند. درگیری افراد سنین پایین‌تر در رفتارهای پرخطر، نه تنها زندگی حال آنان را تهدید می‌کند، بلکه حتی بر کیفیت زندگی آنان در بزرگسالی و سالمندی نیز تأثیرگذار است (نیازی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۹). امروزه شیوع رفتارهای پرخطر بخصوص در نوجوانان و جوانان به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین دل‌نگرانی‌های جوامع بشری تبدیل شده و علیرغم فعالیت‌های سه دهه گذشته رفتارهای مخاطره‌آمیز در سطح جهان دارای رشد تصاعدی بوده است؛ بنابراین با توجه به ساختار سنی جوان کشور و نظر به آن که نوجوانان، آسیب‌پذیرترین قشر جامعه در برابر رفتارهای پرخطر را تشکیل می‌دهند، بدیهی است که هر گونه ضایعه و نارسایی در بهداشت جسمی و روانی و در نتیجه، کاهش توانایی‌های این قشر حرکت‌ساز، به گونه‌ای غیر قابل اجتناب، به کندی در پیشرفت جامعه می‌انجامد و از طرف دیگر عدم سلامت جسمی و روانی آنها ممکن در درازمدت، روی سلامتی آحاد جامعه اثر منفی بگذارد. لذا با توجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل‌گرایی به رفتارهای پرخطر بر اساس جو عاطفی خانواده و واکنش‌پذیری بین‌فردی: نقش میانجی‌گر بی‌تفاوتی اخلاقی انجام شد.

## روش

روش این مطالعه مدل‌یابی معادلات ساختاری است؛ زیرا در این پژوهش روابط بین متغیرها در قالب یک الگوی علی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه‌آماري پژوهش حاضر شامل تمامی دانش‌آموزان مقطع متوسطه در دامنه سنی بین ۱۶ تا ۱۸ سال شهر گرگان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند. در زمینه برآورد حجم نمونه بهینه برای مطالعات مربوط به مدل‌یابی معادلات ساختاری، نظرات متفاوتی وجود دارد. از جمله کلاین (۲۰۱۰) و لوهین (۲۰۰۴) معتقدند حجم‌های بالاتر از ۲۰۰ مطلوب است. برای سازگاری با الگوی معادلات ساختاری، تعداد ۲۸۰ نفر با در نظر گرفتن احتمال ریزش، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای بعنوان نمونه مورد نظر انتخاب شدند. فرایند انتخاب نمونه به این صورت بود که نخست از بین مناطق چهارگانه آموزش و پرورش شهر گرگان، ۲ منطقه به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس از هر منطقه ۳ مدرسه و از هر مدرسه دو کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و در نهایت تعداد ۲۸۰ نفر از دانش‌آموزان این کلاس‌ها به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. معیار ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه

برای شرکت در پژوهش، تحصیل در مقطع متوسطه، بازه سنی ۱۶ تا ۱۸ سال؛ و معیارهای خروج از پژوهش شامل عدم تمایل به همکاری در پژوهش و وجود پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص بود. جهت تحلیل داده‌ها از ماتریس همبستگی، معادلات ساختاری و شاخص‌های نکویی برازش با نرم‌افزار LISREL 8.3 استفاده شد.

### ابزار پژوهش

**رفتارهای پرخطر:** برای سنجش گرایش به رفتارهای پرخطر، از مقیاس خطرپذیری جوانان ایرانی استفاده شد. این مقیاس توسط زاده‌محمدی، احمدآبادی و حیدری (۱۳۹۰) ساخته شد و شامل ۵۳ سؤال است و رفتار پرخطر را در شش حوزه رانندگی خطرناک، خشونت، سیگار، مواد مخدر، الکل و خطرپذیری جنسی می‌سنجد. نمره‌گذاری در طیف لیکرت از ۰ تا ۴ انجام می‌شود (۰ به معنای کاملاً مخالفم و ۴ به معنای کاملاً موافقم). هر چه نمره فرد در یک خرده مقیاس بیشتر شود؛ نشان دهنده‌ی خطرپذیری بیشتر در آن خرده مقیاس است. نمره کل گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس مجموع نمرات شش خرده مقیاس به دست می‌آید. زاده‌محمدی و همکاران (۱۳۹۰) برای تحلیل عامل‌های مقیاس از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش غیرمتعامد پروماکس استفاده کردند. آزمون کفایت نمونه‌گیری کایزر-مایر-اولکین برابر با ۰/۹۳ و در سطح مطلوب و آزمون کرویت بارتلت از نظر آماری معنادار بود. همچنین آنها میزان آلفای کرونباخ را برای مقیاس کل خطرپذیری ۰/۹۳، خرده مقیاس گرایش به الکل ۰/۹۳، گرایش به رانندگی خطرناک ۰/۸۸، گرایش به سیگار ۰/۹۱، گرایش به مواد مخدر ۰/۸۳، گرایش به خطرپذیری جنسی ۰/۸۵ و گرایش به خشونت ۰/۷۷ محاسبه کردند. در پژوهش قیصری و همکاران (۱۴۰۰) ضریب پایایی کل پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ ۰/۸۹ محاسبه شد. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد.

**جو عاطفی خانواده:** این پرسشنامه در سال ۱۹۶۴ توسط هیل برن ساخته شده است. پرسشنامه دارای ۱۶ سؤال و هشت بعد بوده که شامل محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد، احساس امنیت است. سؤالات زوج رابطه پدر-فرزند و سؤالات فرد رابطه مادر-فرزند را اندازه‌گیری می‌کنند. در این آزمون به گزینه خیلی کم نمره ۱، کم ۲، متوسط ۳، زیاد ۴ و خیلی زیاد ۵ تعلق می‌گیرد. دامنه نمرات این آزمون ۱۶ تا ۸۰ است. نمرات بالاتر از متوسط نشان‌دهنده وجود جو عاطفی مناسب بین اعضای خانواده و نمرات پایین‌تر از متوسط حاکی از جو عاطفی ضعیف در بین افراد خانواده است. روایی محتوایی متخصصان و ضریب پایایی از طریق آلفای کرونباخ و بازآزمایی به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۹۳ توسط

دینکلمن و همکاران (۲۰۱۶) به دست آمد. در پژوهش حقی و همکاران (۱۳۹۹) نیز پایایی این آزمون به روش آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفته و آماره ۰/۸۲ به دست آمد. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد.

**واکنش‌پذیری بین‌فردی:** پرسشنامه شاخص واکنش‌پذیری بین‌فردی توسط دیویس در سال ۱۹۸۳ به منظور سنجش رفتارهای بین‌فردی تدوین شده است. این پرسشنامه ۲۸ آیتم دارد و هر آزمودنی به این آیتم‌ها به صورت پنج گزینه‌ای پاسخ می‌دهد. دامنه نمرات این شاخص بین ۲۸ تا ۱۴۰ است. این پرسشنامه چهار مؤلفه دارد که عبارت هستند از: خیال‌پردازی، همدلی، داشتن چشم‌انداز و پریشانی‌شخصی. ضریب آلفای کرونباخ این شاخص در دامنه‌ای از ۰/۷۵ تا ۰/۸۲ به دست آمده است. اله قلیلو (۱۳۸۷) در پژوهشی ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی این شاخص را به روش بازآزمایی در سوءمصرف‌کنندگان مواد و افراد عادی به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۶ به دست آورده است. در پژوهش ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۹۶) ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۶ و برای مؤلفه‌های آن شامل خیال‌پردازی، همدلی، داشتن چشم‌انداز و پریشانی‌شخصی به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۷، ۰/۸۱ و ۰/۸۴ به دست آمد. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمد.

**بی‌تفاوتی اخلاقی:** برای اندازه‌گیری بی‌تفاوتی اخلاقی از پرسشنامه کاپارا و کاپانا (۲۰۰۶) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۳۲ گویه است. خرده مقیاس‌های آن توجه اخلاقی، حسن‌تعبیر، مقایسه سودمند، جابه‌جایی مسئولیت، پخش مسئولیت، تحریف عواقب، اسناد سرزنش و عدم وجود صفات انسانی می‌باشد. دامنه تغییرات برای این مقیاس بین ۳۲ تا ۱۶۰ است که نمره بالاتر، نشانه بی‌تفاوتی اخلاقی بیشتر می‌باشد. ضریب اعتبار این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در مطالعه کاپارا و کاپانا (۲۰۰۶)، ۰/۹۴ به دست آمد. علاوه بر این ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های توجه اخلاقی، حسن‌تعبیر، مقایسه سودمند، جابه‌جایی مسئولیت، پخش مسئولیت، تحریف عواقب، اسناد سرزنش و عدم وجود صفات انسانی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۸۱، ۰/۷۸، ۰/۷۹، ۰/۸۳، ۰/۸۰، ۰/۷۷، ۰/۸۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۴ به دست آمد که نشانگر اعتبار پرسشنامه است. در پژوهش بابایی و همکاران (۱۳۹۹) میزان ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.



## یافته‌ها

با توجه به داده‌های به دست آمده و با استفاده از روش‌های آمار توصیفی به بررسی مشخصات دموگرافیک پرداخته شده است: میانگین سن شرکت‌کننده‌ها ۱۷/۴ با انحراف معیار ۲/۱۴ بود. از میان شرکت‌کنندگان پژوهش ۶۲/۹ پسر و ۳۷/۱ دختر بودند. ۲۷/۱ از شرکت‌کنندگان والدینشان متارکه نموده و ۷۲/۹ از والدین با هم زندگی می‌کردند. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
رفتارهای پرخطر	۲۸/۳۱	۷/۵۱
جو عاطفی خانواده	۱۸/۱۲	۱/۹۵
واکنش‌پذیری بین‌فردی	۱۳/۱۵	۴/۳۹
بی‌تفاوتی اخلاقی	۲۹/۴۴	۵/۰۷

پس از بررسی میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش، برای تعیین میزان رابطه متغیرها، ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۲، ارائه شده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱. گرایش به رفتارهای پرخطر	۱			
۲. جو عاطفی خانواده	*-۰/۷۱۲	۱		
۳. واکنش‌پذیری بین‌فردی	*-۰/۵۶۲	*۰/۷۵۲	۱	
۴. بی‌تفاوتی اخلاقی	*۰/۵۱۲	*-۰/۴۲۳	*-۰/۳۸۱	۱

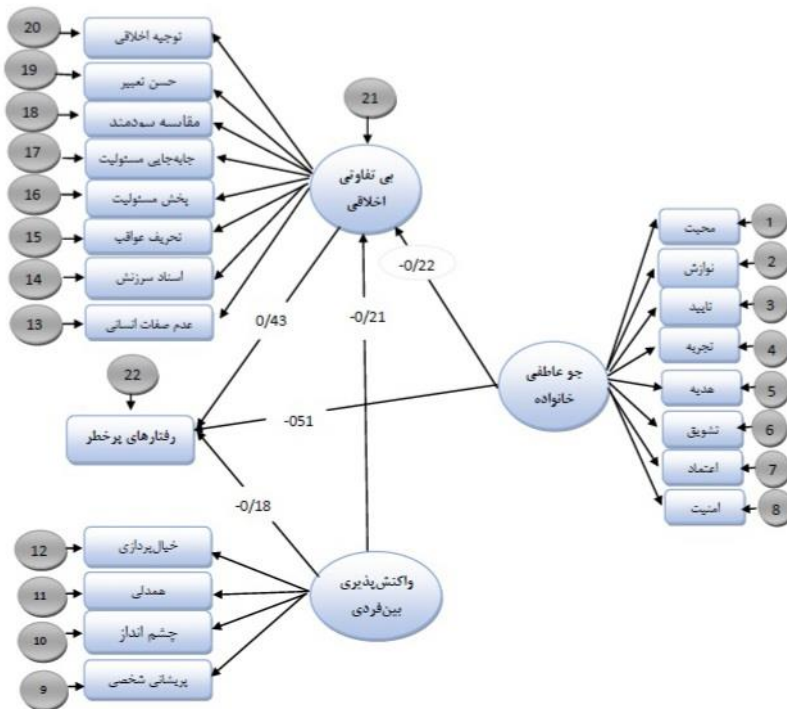
جدول ۲ نشان می‌دهد که گرایش به رفتارهای پرخطر با جو عاطفی خانواده و واکنش‌پذیری بین‌فردی همبستگی منفی و معنادار و با بی‌تفاوتی اخلاقی همبستگی مثبت و معنادار دارد ( $p < ۰/۰۱$ ). قبل از ارزیابی مفروضه‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری، نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف مورد محاسبه قرار گرفت. مقادیر Z برای گرایش به رفتارهای پرخطر (۰/۷۲۴)، جو عاطفی خانواده (۰/۶۲۹)، واکنش‌پذیری بین‌فردی (۰/۶۴۱) و بی‌تفاوتی اخلاقی (۰/۷۳۳) به دست آمد که همه آنها دارای سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ بوده

و بیانگر نرمال بودن توزیع داده‌ها می‌باشد. برای بررسی عدم هم‌خطی بین متغیرهای مستقل نیز از شاخص تولرانس و VIF و تورم واریانس استفاده شده است. شاخص تولرانس و تورم واریانس به ترتیب ۰/۷۵۵ و ۱/۱۳۲ به دست آمد که نشان می‌دهد فرض برقراری عدم هم‌خطی متغیرهای مستقل رعایت شده است. نتیجه محاسبه آزمون دوربین واتسون نیز ۱/۵۴۸ به دست آمد که نشان می‌دهد مفروضه استقلال خطاها نیز در بین داده‌های پژوهش برقرار است. پس از بررسی پیش‌فرض‌ها، شاخص‌های برازندگی مدل محاسبه و در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

شاخص برازندگی	الگوی نهایی
$X^2$	۲۷۵/۳۴۲
df	۱۷۱
CMIN/DF	۱/۶۱۲
RMSEA	۰/۰۵۷
PNFI	۰/۵۱۱
CFI	۰/۹۱۴
PCFI	۰/۵۲۱
IFI	۰/۹۱۵
GFI	۰/۹۴۲

جدول ۳، نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی و اصلاح شده این الگو را نشان می‌دهد. پیش از بررسی ضرایب ساختاری، برازندگی الگوی پیشنهادی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اینکه مقادیر شاخص‌های برازش CMIN/DF کوچک‌تر از ۵ و RMSEA کمتر از ۰/۱ است، برازش مدل پیشنهادی تأیید می‌شود. در گام بعدی جهت ارتقای مدل مسیرهای غیرمعنی‌دار حذف گردیدند و در گام نهایی با رسم همبستگی بین خطاهای کوواریانس، الگوی نهایی پژوهش صورت گرفت. نتایج شاخص‌های برازش نشان می‌دهد بعد از اصلاحات، الگوی نهایی مدل پژوهش از برازش خوبی برخوردار است.



شکل ۱. ضرایب استاندارد مدل الگوی نهایی (اصلاح شده) رابطه ساختاری گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس جو عاطفی خانواده و واکنش پذیری بین فردی: نقش میانجی گر بی تفاوتی اخلاقی

جدول ۴. ضرایب استاندارد مسیرهای الگوی نهایی (اصلاح شده)

معناداری	نسبت بحرانی	خطای معیار	ضرایب استاندارد	مسیر
۰/۰۱	۹/۰۴	۰/۰۳	-۰/۲۲	جو عاطفی خانواده → بی تفاوتی اخلاقی
۰/۰۰	۲/۳۸	۰/۱۲	-۰/۵۱	جو عاطفی خانواده → رفتارهای پرخطر
۰/۰۱	۴/۹۹	۰/۱۴	-۰/۲۱	واکنش پذیری بین فردی → بی تفاوتی اخلاقی
۰/۰۰	۲/۷۶	۰/۰۱	-۰/۱۸	واکنش پذیری بین فردی → رفتارهای پرخطر

با استناد به جدول ۴ می توان ضرایب استاندارد کلیه مسیرها و مقادیر بحرانی را در الگوی نهایی مشاهده کرد. نتایج حاصل از روابط مستقیم در مدل نهایی (اصلاح شده) نشان می دهد که بین جو عاطفی خانواده با بی تفاوتی اخلاقی و رفتارهای پرخطر و بین

واکنش‌پذیری بین‌فردی با بی‌تفاوتی اخلاقی و رفتارهای پرخطر رابطه منفی و معنادار وجود دارد. در ادامه نتایج حاصل از روابط واسطه‌ای با استفاده از آزمون بوت استرپ در جدول ۵ نشان داده شده است. در این جدول منظور از داده، اثر غیرمستقیم در نمونه اصلی؛ و بوت، میانگین برآوردهای اثر غیرمستقیم در نمونه‌های بوت استرپ است. همچنین در این جدول سوگیری، بیانگر تفاضل بین داده و بوت و خطای معیار نیز نشان‌دهنده انحراف معیار برآوردهای غیرمستقیم در نمونه‌های بوت است.

جدول ۵. آزمون بوت استرپ برای مسیرهای واسطه‌ای

معنی‌داری	شاخص					مسیر	
	حد بالا	حد پایین	خطا	سوگیری	بوت		
<۰/۰۰۱	۰/۰۴۳۱	۰/۰۲۱۹	۰/۰۰۵۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۴۱۸	۰/۰۴۱۷	جو عاطفی خانواده به رفتارهای پرخطر از طریق بی‌تفاوتی اخلاقی
<۰/۰۰۱	۰/۰۶۰۳	۰/۰۳۰۲	۰/۰۰۶۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۳۱۳	۰/۰۳۱۲	واکنش‌پذیری بین‌فردی به رفتارهای پرخطر از طریق بی‌تفاوتی اخلاقی

نتایج آزمون بوت استرپ نشان داد که اثر غیرمستقیم جو عاطفی خانواده به رفتارهای پرخطر از طریق بی‌تفاوتی اخلاقی برابر ۰/۰۴۱۸ و اثر غیر مستقیم واکنش‌پذیری بین‌فردی به رفتارهای پرخطر از طریق بی‌تفاوتی اخلاقی برابر ۰/۰۳۱۳ به دست آمد که از لحاظ آماری معنادار بودند.

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف ارائه مدل گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس جو عاطفی خانواده و واکنش‌پذیری بین‌فردی: نقش میانجی‌گر بی‌تفاوتی اخلاقی انجام شد. نتایج نشان داد مدل از برازش مناسبی برخوردار است. نتایج ماتریس همبستگی بین جو عاطفی خانواده، واکنش‌پذیری

بین فردی و رفتارهای پرخطر رابطه منفی و معنادار وجود دارد. به عبارتی با افزایش جو عاطفی مطلوب در خانواده، گرایش به رفتارهای پرخطر کاهش پیدا می‌کند. همچنین جو عاطفی خانواده از طریق بی‌تفاوتی اخلاقی، اثر غیرمستقیم بر گرایش رفتارهای پرخطر دارد. این یافته با نتایج مطالعات عاشقی و همکاران (۱۳۹۸)، راوات و گولاتی (۲۰۱۹)، لابلای و ماستن (۲۰۱۹) و مونتگودو و همکاران (۲۰۱۸) همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که در دیدگاه تربیتی، خانواده مهم‌ترین کانون رشد و پرورش انسان قلمداد می‌شود. نخستین جایگاه شکل‌گیری عواطف است، لذا برخورد و رفتار والدین بر شکل‌گیری رفتار در نوجوانان تاثیر می‌گذارد. در صورتی که خانواده‌ها منابعی برای ناکامی و تامین نشدن نیازهای مادی و روانی نوجوانان باشند و والدین و فرزندان با هم ارتباط صمیمی و نزدیکی نداشته باشند بروز رفتارهای پرخطر بر اثر این ناکامی امری پیش‌بینی پذیر است. چنین به نظر می‌رسد که ارتباط مطلوب والدین به عنوان عوامل محافظت‌کننده عمده در بروز رفتار پرخطر بوده و جو عاطفی نامطلوب خانوادگی و بروز طلاق در خانواده، از عوامل خطر ساز عمده در گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر است. بنابراین جو عاطفی خانواده و نحوه تعامل والد و فرزند از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل بروز نحوه شکل‌گیری رفتارها، باورها و نگرش‌های فرزندان است. روابط خانوادگی گرم، صمیمی و حمایت‌گر در صورتی که مداخله‌جویانه نباشد فرزندان را از انجام دادن رفتارهای پرخطر باز می‌دارد. جو عاطفی گرم حاکم بر خانواده نیازهای عاطفی اعضا را برآورده کرده و باعث استحکام نظام درون‌خانواده و وابستگی و جذب آنها به خانواده می‌شود (حقی و همکاران، ۱۳۹۹). محبت و گرمی توأم با آزادی موجب می‌شود که فضایی مناسب برای برون‌ریزی هیجانی و فرصتی برای یادگیری و کسب تجربه در کودکان فراهم می‌شود. رابطه گرم بین اعضاء خانواده خصوصاً با فرزندان امکان جذب آنها را به خانواده بی‌اثر کرده و کمتر احتمال دارد از خانه و خانواده فراری باشند و به گروه دوستان یا گروه‌های نابهنجار پناه بیاورند. بعد گرمی عاطفی در مقابل خصومت، بی‌توجهی، طرد و خشونت مؤثرترین بعد رابطه‌ی والد-فرزند و مبنای شکل‌گیری تجربیات آینده فرد است (راوات و گولاتی، ۲۰۱۹). به طور کلی می‌توان گفت که اگر پدر و مادر روابط گرم و صمیمانه‌ای با فرزندان داشته باشند و همواره نیازهای کودکان خود را از راه مطلوب و در حد لزوم تأمین کنند، آنها با غرور و اعتماد به نفس پا به عرصه زندگی اجتماعی می‌گذارند و در حل مشکلات به خود ترس و بیم راه نمی‌دهند و با دوستان، همکلاسان، معلمان و به طور کلی محیط و اجتماع مشکلی نخواهند داشت و دچار رفتارهای پرخطر نخواهند شد (لابلای و ماستن، ۲۰۱۹).

دومین یافته پژوهش این بود که بین واکنش‌پذیری بین‌فردی و رفتارهای پرخطر رابطه منفی و معنادار وجود دارد. به عبارتی با افزایش واکنش‌پذیری بین‌فردی، گرایش به رفتارهای پرخطر کاهش پیدا می‌کند. همچنین واکنش‌پذیری بین‌فردی از طریق بی‌تفاوتی اخلاقی، اثر غیرمستقیم بر گرایش رفتارهای پرخطر دارد. این یافته با نتایج مطالعات ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۹۶)، موراتوری و همکاران (۲۰۲۱)، مونتلون و همکاران (۲۰۱۸) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته باید خاطر نشان کرد که دانش‌آموزانی که واکنش‌پذیری بین‌فردی آنی و لحظه‌ای دارند، در دریافت وضعیت روانی دیگران دچار نقص هستند و قادر به استنباط تمایلات، نیات، هیجانات و ادراکات دیگران به ویژه همدلی، هم‌دردی و احساس پریشانی شخصی نیستند. بنابراین این افراد هنگام تعاملات اجتماعی نمی‌توانند از مهارت‌های بین‌فردی استفاده کنند و فاقد رفتارهای جامعه‌پسند، همدلی و هم‌دردی بوده و ضعف در این کارکردها سبب می‌شود که نوجوان هنگام مواجهه با موقعیت‌های پرخطر اقدام به رفتارهای کنترل نشده و پر مخاطره از جمله مصرف و سوءمصرف مواد داشته باشند. همچنین در برخورد با یک مشکل در رسیدن به هدف، قادر به استفاده از شیوه‌های مختلف جهت حل آن مشکل نباشد، یا اینکه نتواند هدف‌های مطلوب‌تری که تقویت‌کننده هستند را برگزیند و به عبارت دیگر همدلی و انعطاف لازم جهت حل مسأله هنگام مواجهه با مشکل را نداشته باشد (ابوالقاسمی و همکاران، ۱۳۹۶). از سوی دیگر می‌توان گفت هنگام مواجهه با موقعیت پرخطر نوجوانان و جوانانی که واکنش‌پذیری بین‌فردی فاقد همدلی، توجه اخلاق داشته باشند، نمی‌توانند در مواجهه با موقعیت‌های پاداش‌دهنده از جمله مصرف مواد، هدف‌های دیگری به غیر از مصرف مواد را برگزینند یا اینکه راهبردهای حل مسأله دیگری به غیر از مصرف مواد استفاده کنند. در نتیجه به دلیل ناکامی و درماندگی برای رهایی از فشار روانی شکست، به سمت رفتارهای پرخطر گرایش پیدا می‌کنند (موراتوری و همکاران، ۲۰۲۱).

دیگر یافته پژوهش نشان داد که بی‌تفاوتی اخلاقی به صورت مستقیم، مثبت و معنادار گرایش به رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی می‌کند به عبارتی با افزایش بی‌تفاوتی اخلاقی، گرایش به رفتارهای پرخطر افزایش پیدا می‌کند. این یافته با نتایج مطالعات بابایی و همکاران (۱۴۰۰)، محمدعینی و همکاران (۱۳۹۹)، ثرنبرگ و همکاران (۲۰۱۹)، مازون و کامودکا (۲۰۱۹)، ریسر و اکرت (۲۰۱۷) همسو است. در تبیین این یافته گفته می‌شود که مکانیسم توجه رفتارهای مضر منجر می‌شود، نوجوانان رفتارهای مضر را به گونه‌ای بازسازی کنند که شخصاً توجه شده و از نظر اخلاقی قابل قبول شوند و با به حداقل رساندن مسئولیت مرتکبین به رفتارهای پرخطر و در نتیجه کاهش اثرات زیان‌آور ناشی از آن، و جابه‌جایی مسئولیت و انتشار مسئولیت توسط افراد مرتکب رفتار پرخطر، منجر می‌شود که نوجوانان کمتر مسئولیت رفتارهای پرخطر را به عهده

بگیرند (محمدعینی و همکاران، ۱۳۹۹). این افراد توانایی مدیریت رفتار و حالت‌های روانشناختی خود را ندارند. این مسأله باعث انتخاب راهبردهای ناکارآمد هنگام مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا می‌شود. افرادی که به رفتارهای پرخطر گرایش دارند، استفاده از رفتارهای پرخطر را وسیله‌ای برای کاهش هیجانات منفی و افزایش کارکردهای شناختی می‌دانند (ثرنبرگ و همکاران، ۲۰۱۹). مهمترین محدودیت پژوهشگر استفاده از ابزارهای خودگزارش‌دهی برای جمع‌آوری داده‌ها بود. در چنین ابزارهایی ممکن است افراد خویشتن‌نگری کافی نداشته و مسئولانه پاسخ ندهند. هرچند تلاش شد با بیان این نکته که در پرسشنامه‌ها جواب صحیح و غلط وجود ندارد و بهترین پاسخ، پاسخی است که گویای وضعیت واقعی آنها باشد، از آثار سوء این محدودیت کاست. محدودیت دیگر، محدود شدن جامعه پژوهش به دانش‌آموزان متوسطه شهر گرگان است که قابلیت تعمیم‌دهی به دانش‌آموزان سایر مقاطع و مناطق جغرافیایی کشور را ندارد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی از نمونه‌های غیر دانش‌آموز استفاده شده و به بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری اجتماعی پرداخته شود. با توجه به تاثیر مخرب گرایش به رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان پیشنهاد می‌شود برنامه‌ای مدون برای آموزش مهارت‌های ارتباطی بین نوجوانان و والدین به صورت کارگاه‌های آموزشی و همچنین تدوین کتابچه‌های کاربردی متعددی در این زمینه برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شود.

### سپاسگزاری

نویسندگان این مقاله بر خود لازم می‌دانند از کلیه افراد مشارکت‌کننده در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را به عمل آورند.

### مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان این مقاله نقش یکسانی در طراحی، گردآوری داده‌ها، ویراستاری و نهایی‌سازی مقاله حاضر بر عهده داشتند.

### تعارض منافع

بین نویسندگان هیچ گونه تعارضی در منافع انتشار این مقاله وجود ندارد.

## موازین اخلاقی

در پژوهش حاضر اصول اخلاقی پژوهش از جمله رازداری، محرمانه ماندن رعایت شد.

## منابع مالی

این پژوهش از طرف دانشگاه کوثر بجنورد، با شماره قرارداد طرح پژوهشی (۰۱۱۱۰۳۱۶۶۲) حمایت شده است.

## منابع

ابوالقاسمی، عباس؛ طاهری‌فرد، مینا و کیامرئی، آذر. (۱۳۹۶). مقایسه حافظه هیجانی، تصمیم‌گیری و واکنش‌پذیری بین‌فردی در دانش‌آموزان دارای اختلال سلوک و عادی. *مطالعات روانشناختی*، ۲(۱۳): ۴۳-۵۸. [پیوند]

اسماعیل‌زاده، هاشم؛ آهی، قاسم. (۱۴۰۰). نقش ویژگی‌های شخصیتی پاتولوژیک مبتنی بر DSM-5 (PID-5) در بی‌تفاوتی اخلاقی. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۴(۱۶): ۲۱-۲۸. [پیوند]

اله قلیلو، کلثوم. (۱۳۸۷). *تحلیل رابطه مهارت‌های هوشیاری فراگیر، فراساخت و تنظیم‌هیجان با رفتار بین‌فردی سوءصرف‌کنندگان مواد*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه محقق اردبیلی. [پیوند]

بابایی، ابوالفضل؛ واحدی، شهرام؛ ادیب، یوسف؛ ایمان‌زاده، علی. (۱۴۰۰). تجربه زیسته نوجوانان پسر از مکانیسم بی‌تفاوتی اخلاقی و قلدری: یک مطالعه نظریه زمینه‌ای. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۰(۹۷): ۶۲-۴۷. [پیوند]

جوهری، محسن؛ علیجانی، فاطمه. (۱۴۰۰). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک دلبستگی و رفتار پرخطر در نوجوانان عادی و دارای اختلال سلوک. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۵(۴): ۱۵۷-۱۷۸. [پیوند]

DOI: 10.52547/APS.2021.222702.1092

حقی، زهرا؛ حسینیان، سیمین؛ رسولی، رویا. (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی آموزش مدیریت رفتاری مادران و آموزش شناختی-رفتاری با و بدون حضور دختران بر جو عاطفی خانواده. *فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، ۱۱(۴۲): ۹۹-۱۱۴. [پیوند]

زاده‌محمدی، علی؛ احمدآبادی، زهره؛ حیدری، محمود. (۱۳۹۰). تدوین و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۷(۳): ۲۱۸-۲۲۵. [پیوند]

سرموری، پژمان؛ مردانی‌کرانی، جواد؛ نظری‌سرمازه، فرشید؛ شهرکی، زهرا؛ دهکردی، مهدی. (۱۳۹۸). اثربخشی گروه درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر کاهش تکانشگری و رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم. *رویش روان‌شناسی*، ۸(۱۲): ۲۱-۳۰. [پیوند]



عاشقی، آرزو؛ خوش‌روش، وحید؛ ترابی، یعقوبی. (۱۳۹۸). رابطه جو عاطفی خانواده، حمایت اجتماعی ادراک شده با گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان شهر رشت. *دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۲(۲۱): ۱-۱۴. [پیوند]

قیصری، زهرا؛ صاحب‌دل، حسین؛ ابراهیم‌پور، مجید. (۱۴۰۰). بررسی اثربخشی روان‌درمانی انگیزشی بر رفتارهای پرخطر (رفتار جنسی، خشونت) دانش‌آموزان. *مجله علمی پژوهان*، ۱۹(۳): ۲۷-۳۳. [پیوند]

کهنسال‌نالی‌کاشری، سعیده؛ اسدی‌مجره، سامره؛ اکبری، بهمن. (۱۴۰۱). ارائه مدل ساختاری رابطه سبک‌های فرزند پروری ادراک شده با رفتارهای پرخطر از راه میانجی‌گری تاب‌آوری و تنظیم هیجان در نوجوانان. *فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، ۱۳(۴۷): ۱۰۱-۱۱۶. [پیوند]

محمدی‌حسینی اصل، فائزه؛ ساکن‌آذری، رعنا؛ عبدالتاج‌دینی، پرویز؛ اقدسی، علی‌نقی. (۱۴۰۱). پیش‌بینی رفتارهای پرخطر براساس ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی، تنظیم شناختی هیجان و سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری نشاط ذهنی در نوجوانان دختر. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۹(۲): ۱۱۷-۱۳۰. [پیوند]

محمدعینی، زهره؛ صادقی، جمال؛ درتاج، فریبرز؛ همایونی، علی‌رضا. (۱۳۹۹). مدل‌یابی روابط ساختاری تعارضات والدین و دانش‌آموزان با پرخاشگری: نقش میانجی بی‌تفاوتی اخلاقی. *سلامت‌روان کودک*، ۷(۲): ۴۲-۵۴. [پیوند]

نظام‌زاده، بهنام؛ طیبی، صدرا؛ مالکی رستم‌آبادی، مرجان؛ اکبری، حمیدرضا؛ نامجو، فرهاد. (۱۴۰۰). پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر براساس درماندگی روانشناختی و تحمل‌پیشانی در نوجوانان بزهکار. *دوفصلنامه مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان*، ۲(۱): ۱۲-۲۳. [پیوند]

نیازی، محسن؛ سلیمان‌نژاد، محمد. (۱۳۹۷). زمینه‌های گرایش به رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان جوانان شهر کاشان. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۵(۱۶): ۱۶۹-۲۰۱. [پیوند]

Bandura, A. (2016). *Moral disengagement: How people do harm and live with themselves*. New York, NY, US: Worth Publishers. [link]

Collyer, C., Bell, M., Christian, H. (2022). Associations between the built environment and emotional, social and physical indicators of early child development across high and low socioeconomic neighbourhoods. *International Journal of Hygiene and Environmental Health*, 243(6): 397-414. [link]

Caprara, G., Capanna, C. (2006). Moral disengagement in the exercise of civic-ness. *Interdisciplinary Yearbook of Business Ethics*, 1(6): 87-98. [link]

Davis, M. H. (1983). Measuring individual differences in empathy: evidence for a multi-dimensional approach. *Jurnal of Personality and Social Psychology*, 44(1):113-126. [link]

Defoe, I. N., Dubas, J. S., Edwin, S., Dalmaijer, A., Marcel, A. (2020). Is the Peer Presence Effect on Heightened Adolescent Risky Decision-Making

- only Present in Males, *Journal of Youth and Adolescence*, 49(1): 693–705. [\[link\]](#)
- Dinkelmann, I., Buff, A. (2016). Children's and parents' perceptions of parental support and their effects on children's achievement motivation and achievement in mathematics. A longitudinal predictive mediation model. *Learning and Individual Differences*, 150(1): 122-32. [\[link\]](#)
- Fitzpatrick, S., & Bussey, K. (2018). The Role of Moral Disengagement on Social Bullying in Dyadic Very Best Friendships. *Journal of School Violence*, 17(4): 417-429. [\[link\]](#)
- Gupta, T., Horton, W., Haase, C., Carolc, E., Mittal, V. (2022). Clues from caregiver emotional language usage highlight the link between putative social environment and the psychosis-risk syndrome. *Schizophrenia Research*, 8(4): 56-64. [\[link\]](#)
- Gupta, M., Basu, A., Thakurta, R. (2022). Re-examining the relationship between interpersonal reactivity index sub-scales and mental well-being: Implications of the pandemic. *Acta Psychologica*, 228(8): 362-371. [\[link\]](#)
- Labella, M., Masten, AS. (2019). Family influences on the development of aggression and violence. *Curr Opin Psychol*, 19(1): 6-11. [\[link\]](#)
- Li, B., Weng, Y. (2022). Prompt-based system for personality and interpersonal reactivity prediction. *Software Impacts*, 12(6): 296-302. [\[link\]](#)
- Monteagudo, M., Delgado, B., Inglés, C., Fernández, J. (2019). Cyberbullying in the university setting. Relationship with family environment and emotional intelligence. *Computers in Human Behavior*, 91(2): 220-225. [\[link\]](#)
- Muratori, P., Lochman, J. E., Manfredi, A., Milone, A., Nocentini, A., Pisano, S., & Masi, G. (2021). Callous unemotional traits in children with disruptive behavior disorder: Predictors of developmental trajectories and adolescent outcomes. *Psychiatry Research*, 28(236): 35–41. [\[link\]](#)
- Morganti, F., Rezzonico, R., Cheng, S., Price, C. (2022). Italian Version of the Scale of Body Connection: Validation and Correlations with the Interpersonal Reactivity Index. *Complementary Therapies in Medicine*, 51(6): 240-249. [\[link\]](#)
- Monteleone, A., Treasure, J., Kan, C., Cardi, V. (2018). Reactivity to interpersonal stress in patients with eating disorders: A systematic review and meta-analysis of studies using an experimental paradigm. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 87(4): 133-150. [\[link\]](#)
- Mazzone, A., & Camodeca, M. (2019). Bullying and Moral Disengagement in Early Adolescence: Do Personality and Family Functioning Matter, *Journal of Child and Family Studies*, 28(8): 2120-2130. [\[link\]](#)

- Rawat, C., & Gulati, R. (2019). Influence of home environment and peers influence on emotional maturity of adolescents. *Integrated Journal of Social Sciences*, 6(1): 15-18. [[link](#)]
- Risser S, Eckert K. (2017). Investigating the relationships between antisocial behaviors, psychopathic traits and moral disengagement. *International Journal of Law and Psychiatry*, 45(1): 70-74. [[link](#)]
- Shults, R., Shaw, K., Yellman, M., Jones, E. (2022). Does geographic location matter for transportation risk behaviors among U.S. public high school students. *Journal of Transport & Health*, 22(11): 34-41. [[link](#)]
- South, E., Rodgers, M., Wright, K., Whitehead, M., Sowden, A. (2022). Reducing lifestyle risk behaviours in disadvantaged groups in high-income countries: A scoping review of systematic reviews. *Preventive Medicine*, 154(7): 69-76. [[link](#)]
- Thornberg, R., Wänström, L., Pozzoli, T., & Hong, J. S. (2019). Moral Disengagement and School Bullying Perpetration in Middle Childhood: A Short-Term Longitudinal Study in Sweden. *Journal of School Violence*, 18(4), 585-596. [[link](#)]
- Teng, Z., Nie, Q., Guo, C., Zhang, Q., Liu, Y., Bushman, B. (2020). A longitudinal study of link between exposure to violent video games and aggression in Chinese adolescents: The mediating role of moral disengagement. *Develop Psychology*, 55(1): 184-192. [[link](#)]
- Zhou, W., Wang, S. (2022). Early Childhood Health Shocks, Classroom Environment, and Social-Emotional Outcomes. *Journal of Health Economics*, 2(10): 269-278. [[link](#)]